



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – شماره: ۸۸۶۵۴۳۹۲

توزیع: شرکت نواآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰

امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق

چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۸۰ ■ شماره ۱۵۶ دوره جدید ■ پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۹ ■ ۲۸ شوال ۱۴۳۱ ■ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰

ادامه حمایت از مدیر عامل خانه سینما

در پی بیابانه اعلام حمایت ۱۹۰ سینماگر از مدیر عامل منتخب‌شان در خانه سینما، روز گذشته نیز سینماگران دیگری بیابانه حمایت از مدیر عامل خانه سینما را امضا کردند. عباس کیارستمی و مسعود کیمیایی جزء امضاکنندگان روز گذشته بودند تا در کنار پیرام بیضایی و داریوش مهرجویی که جزء اولین امضاکنندگان این بیابانه بودند قرار گیرند تا نام نسل اول کارگردانان را زیر نامه حمایت از مدیرعامل خانه سینما ثبت کنند. به گزارش ایسنا، متن یک‌خطی منتشر شده به این شرح است: «برای حفظ سینمای ارزش‌مدار ایران و جامعه اصناف سینمایی در کنار مدیرعامل منتخب خود (خانه سینما) ایستاده‌ایم.» هنرمندانی که امروز از بیابانه یک‌خطی‌روز گذشته اعلام حمایت کردند عبارتند از: «عباس کیارستمی، مسعود کیمیایی، کیومرث پوراحمد، فاطمه معتمدآریه، عباس گنجوی، شهاب حسینی، تورج منصوری،ملک‌جهان خرازی، گوهر خیراندیش، سامان مقدم، لیل‌احامی، عزیز ساعتی، محسن خان‌جهانی و…»

تهران : اذان ظهر ۵:۲۱ اذان مغرب ۵:۸ اذان صبح فردا ۴:۴۱ طلوع آفتاب ۶:۰۵



روزنامه باطله

مرا از دو چیز خلاصی نیست؛ بلکه از سه چیز، شاید هم چهار چیز. – حالا که خوب فکر می‌کنم، پنج چیز. – شما که غربیه نیستید شش چیز. – از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان، هفت چیز. – خیال خودم را راحت کنم هشت چیز. – نه، کم‌کم دارد یادم می‌آید که بیش از این‌هاست. – ۹ چیز، ۱۰ چیز، بلکه میلیون‌ها و میلیارد‌ها چیز. فقط توی شعار است که «غلام همت آثم که زیر چرخ کبود/ از هرچه رنگ تموم پذیرد آزاد است» و گرنه در عالم واقع ما تا نیمه فرورفته در تعلقات دست و پاگیر زندگی هستیم. حتی در دل جنگل‌های سرسبز شمال نیز مرا از این موبایل لعنتی خلاصی نیست. موبایل چیست، یگنارید برایتان بگویم در اینجایی که من هستم، در میان آواز پرندگان و ترنم باران، صدای آزارنده فریز نیز به گوش می‌رسد. به گوش نمی‌رسد، بلکه گوش را به تکاح خود درمی‌آورد. از این صدای فرز لعنتی‌را هر فراری نیست. توی تهران صدای فرزی می‌آید، توی شمال صدای فرزی می‌آید، وسط جنگل، در دل کویر لوت، در کره ماه، در زیر آسمان صوتی مریخ هم اگر شنیدنیی که یک استکان چای دارجلینگ فرداعلا بنوشی باز صدای آزاردهنده فرز را باید بنوشی. هر کجا که بروی فرز هم هست و هر کجا که فرز باشد، ماهواره هم هست. در ویرانه‌ترین روستا و در دورافتاده‌ترین بیابوه هم یک بشقاب لعنتی روی پشت‌بام خوندمایی می‌کند. باور نمی‌کنید اگر بگویم که در چه جایگاه و مقامی کانال‌های فارسی‌زبان ماهواره را به تماشا نشستم. این بوق من تشاففقط در پشت‌بام‌های پایتخت و شهرهای بزرگ نیست که امواج شیطانی خبربراکتی‌های صهیونیستی را دریافت می‌کند، بلکه گوش ننگیانی استخر پرورش ماهی در دل جنگل کم مهبط سیگنال‌های شومی است که خر دجال مستقر در آسمان‌ها مخابره می‌کند. از موبایل گریزی نیست، از فرز گریزی نیست، از ماهواره گریزی نیست، از… اینجا از تنها چیزی که گریزی هست از روزنامه‌است. مردم همه کاری می‌کنند، همه چیزی می‌خرند، اما روزنامه‌نمی‌خرند

و نمی‌خوانند. گویی روزنامه بی‌اهمیت‌ترین چیزی است که می‌شود از زندگی حذفش کرد. روزنامه اولین چیزی است که علمی و فریخته‌به این نتیجه می‌رسند که کلا و جزاً بی‌خیالش شوند. روزنامه اولین متاعی است که از سبد خرید خانواده بیرون می‌افتد. توی کومه نگهبانی، توی جنگل، توی شهر، توی پایتخت هیچ نشانی از روزنامه نیست؛ روزنامه زمانی موجودیت پیدا می‌کند که باخواهند کسی را گوشمالی بدهند و تنبیه کنند یا باخواهند پلشتی روی فرش را یا پلیدی کف آشپزخانه را با آن پاک کنند. روزنامه نیست، مطلقاً نیست، اما همین که یکی گاف بدهد و قلمش هرز برود، روزنامه هم موجودیت پیدا می‌کند. فقط در بحران‌هاست که پای روزنامه‌هم به میان می‌آید. روزنامه سال‌هاست که از زندگی ما حذف شده، فقط وقتی بحث بهداشت به میان می‌آید روزنامه باطله هم پیدا می‌شود. من مانده‌ام که چطور وقتی روزنامه نیست روزنامه باطله هست، ۱۰ برابر تیراز روزنامه‌ها، روزنامه باطله تولید می‌شود. گویی این روزنامه‌های تاخوره‌ده که روی هم انبار می‌شوند زایمان می‌کنند و دوتایشان ۱۶ تا می‌شود. ۶۰، ۷۰ هزار تا روزنامه تبدیل به میلیون‌ها و میلیارد‌ها روزنامه باطله‌ای می‌شود که نهاپتا کیلویی ۶۰ تومن ناقابل قیمت دارد. صد برابر من روزنامه‌نگار، باطله‌خر و باطله‌فروش‌اند که در آمد دارند و از دست‌یخت به حال می‌کنند. ما روزنامه تولید نمی‌کنیم که مردم بخوانند و سرگرم شوند، بلکه ما روزنامه تولید می‌کنیم که اولاً همواره خود را در مظان اتهام قرار دهیم، ثانیاً وسیله ارتزاق باطله‌خرها و باطله‌فروش‌ها را فراهم کنیم، وگرنه فکر نمی‌کنید که تیراز ۶۰، ۷۰ هزار تا توی یک مملکت ۷۰ میلیونی شوخی ناامیدکننده‌ای بیش نیست؟ فقط مانده‌ام در این جمعیت ۷۰ میلیونی این ۶۰، ۷۰ هزار نفری که از روی بزرگواری، روزنامه می‌خرند و می‌خوانند چه انگیزه‌ای جز لطف و مرحمت دارند؟ چه حکمتی است که خداوند پس‌لکه اینها رده تا هر روز به سراغ ده‌ده روزنامه‌فروشی بروند و نه سیگار و بیسکویت و شارژ ایرنسل، که لطف کنند و روزنامه بخرند و به انبوه روزنامه‌های باطله بیفزایند؟ راستی که نمی‌دانم شما چرا این ورق‌پاره‌ها را می‌خرید و می‌خوانید؟ واقعاً دارید لطف می‌کنید؟

پیشخوان

انتشار شماره جدید «چشم‌انداز ایران»



دوماهنامه سیاسی راهبردی «چشم‌انداز ایران» با سرمقاله‌ای به قلم لطف‌الله میثعی منتشر شد. گفت‌وگو با سعید شاهسونی درباره ریشه‌هایی پیدایش و تحولات بعدی سازمان مجاهدین خلق یکی از بخش‌های خواندنی این نشریه را تشکیل داده‌است. مقالهای به‌قلم سیدمحمود حسینی به‌مناسبت تحصن تاریخی مردم اصفهان در مرداد ۵۷ از دیگر بخش‌های این مجله است. در این شماره گفت‌وگویی با دکتر عبدالرزاق کیمی‌نژادیان درباره انرژی‌های نو و موانع و مشکلات در برابر پیشبرد این انرژی‌ها انجام شده که حاوی اطلاعات بسیار مفیدی است. مقالهای از فضل‌الله سلواتی با عنوان درس‌هایی از تاریخ که به سیاه‌کاری‌های بنی‌امیه پرداخته نیز از دیگر بخش‌های این مجله است.

نشریه «چشم‌انداز ایران» با قیمت ۲۵۰۰ تومان در ده‌کهای روزنامه‌فروشی عرضه می‌شود.

پیشنهاد: یک کتاب، یک نمایشگاه، یک توصیه

به زبان ساده

احمد شیرزاد



بروم، باید اعتراف کنم چند باری هم این کار را امتحان کرده‌ام و بسیار لذت برده‌ام اما گرفتاری‌ها اجازه نداده به‌طور کامل وقت بگذارم و نتیجه بگیرم. به هر حال اگر دوست دارید مسائل علمی را به زبان ساده یاد بگیرید این کتاب را از دست ندهید. «پیدایش و مرگ خورشید» بارها تجدید چاپ شده و به گمانم هنوز هم در بازار وجود دارد. امتیاز این کتاب برای انتشارات امیرکبیر است. ۲- صاحب رستورانی در نزدیکی شهر انزلی نمایشگاهی از عکس‌های خودش داخل رستورانش برپا کرده است؛ عکس‌های دیدنی با موضوعات مختلف زندگی، جامعه و منظره که تماشاایش در فضای رستوران بسیار دیدنی است. اینکه یک نفر کار و شغلش را با سلیقه هنری آمیخته بسیار جذاب است، پس اگر از انزلی می‌گذرید رستوران «کوچک‌پور» را از دست ندهید. ۳- آخرین پیشنهادم یک توصیه اخلاقی است: «راست بگویید» راست‌گویی مهم‌ترین نیاز جامعه‌است. بیایید همدیگر را به راست‌گویی تشویق کنیم، راست بگویید.

بازتاب: مردمی که تاریخ نداشته باشند، روح ندارند

اردکان، یونان کوچک

رضا داوری اردکانی



جمعیت آن زمان آن کمتر از پنج هزار نفر بود و این نشانه این است که اینجا مرکز علم است. این موضوع را (اردکان یونان کوچک) فقط در «تاریخ مفیدی» جست‌وجو نکنید، بلکه در کتب پرانکده دیگر هم می‌بینید. وقتی جایی را یونان کوچک بخوانند، اوج احترام است و مدحی بیش از این برای شهر ما ممکن نبوده و نیست. یونان امروز را نبینید که گرفتار مشکلات فراوان است، یونان در گذشته دروازه علم جدید برای اروپا بود و از عظمت و بزرگی خاصی برخوردار بوده است. خاطره‌ای بگویم تا عظمت یونان را بهتر درک کنید. سالیانی پیش برای بازدید یونان به «المپ» رفته بودم. دو نفر داشتند فرانسوی حرف می‌زدند و احساس کردند که من حرف‌هایشان را نمی‌فهمم. پرسیدند از کجا آمده‌اید و به چه منظوری؟ گفتم از ایران آمده‌ام و برای «زیارت». البته که به واقع گفتم که برای زیارت آمده‌ام. آنانی هم که به اردکان یونان کوچک گفته‌اند، حق داشتند بگویند اینجا قصبه کوچکی است که در عین کوچکی، بزرگان یونان را به یاد می‌آورد. می‌شود به این عنوان افتخار کرد. اگر به صاحبان فضل امروز هم نگاه کنید، می‌بینید که این میراث گذشته همچنان باقی است. شاید دیگر مشکل باشد که چنین فرصتی به دست بیاید و در یک معنی ادای احترام بکنم به خاکی که در آن به دنیا آمدم و پرورده شدم و از سوی دیگر انسان باید خود را بازشناسد و ما گذشته خود را بازشناسیم و تعلق خود را به یاد بیاوریم. به هر حال اینجا جای همه ماست و محل تعلق و علاقه همه ماست و اینکه جنبشی شروع شده، به خصوص این خدمت تاریخی جای شکر دارد. توجه داشته باشید که هر مردمی به هر چه احتیاج نداشته باشند به تاریخ احتیاج دارند. هیچ مردمی نی‌باز آن تاریخ نیستند و مردمی که تاریخ نداشته باشند، روح ندارند و کسی که تعلق خاطر ندارد، زنده نیست. در این احیای تاریخ، سعی کنیم آزادانه و متصفانه عمل کنیم. کسی تا به چیزی تعلق نداشته باشد، میل مطالعه هم ندارد. به حوادث خاص کاری ندارم. زندگی امروز، زندگی است که نشاط در آن نیست. زمانه ما زمانه ملال است. من با میکروفن و دوربین خیلی خوب نیستم. در هر صورت خیلی متشکرم. برای من شب خوبی بود، ما مایه افتخار بود. از یک پیرمرد اردکانی هم دعوت کردید که چون پیر است بیاید و درددل خود را بیان کند.

پای‌پیاده: روز خیلی خوب

آسودگی

سروش صحت

شاخه می‌بریدند و نوا۱ قارقارشان چنان به گوش دلنشین بود که آدم از آن سیر نمی‌شد. درخت‌های پارک با طراوت و زیبایی شاخه‌هایشان را مثل سیبانی بر فراز سرمان گسترده بودند و نسیمی که لابه‌لای شاخه‌ها می‌وزید، شاخه‌های سرسبز را به رقص می‌آورد. در جوی‌های پارک آبی تمیز و گوارا جاری بود و صدای روح‌پرور آب روح را می‌پرورانید. ما چهار نفر با آرامش و نشاط در پارک قدم می‌زدیم و هر وقت نگاهمان به هم می‌افتا بی‌اختیار لبخند می‌زدیم و همه چیز عالی بود که یک‌دفعه برادرم ایستاد و داد زد: «قصیه‌چیه؟» دوستم پرسید: «کدوم قصیه؟» برادرم گفت: «به طوری شده والا که نمیشه همه چی اینقدر خوب باشه.» دوست دوستم گفت: «اس می‌گه قصبه مشکوکه.» همه به فکر فرو رفتیم… نشستیم به فکر کردن و عقل‌هایمان را روی هم گذاشتیم ولی به نتیجه‌ای نرسیدیم فقط می‌دانستیم یک مشکلی که جایی هست…

جناب آقای علی علایی

انتخاب شما به‌عنوان رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را تبریک می‌گویم و آرزوی موفقیت روزافزون داریم. **وحید طوفانی، مجید کریمی، محسن محمودی حسین یاغچی، عاطفه خادم‌الرضا**

تفاوت دو جهان: نمایشگاه کتاب فرانکفورت میزبان کشور آرژانتین شد

۱۱۱ کشور جهان زیر یک سقف



ماتی فراهانی: نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت شصت و دومین دوره خود را به میزبانی آرژانتین برگزار می‌کند. این نمایشگاه طی مراسمی رسمی، ۱۳ مهرماه با حضور «کریستینا کشر» رئیس‌جمهور کشور آرژانتین و «گوئیو وستروله» وزیر امور خارجه آلمان در تالار کنفرانس این نمایشگاه افتتاح شد. اما نکته جالب مراسم افتتاحیه جایی بود که وزیر امور خارجه پیش از آغاز سخنرانی‌های رسمی از نویسندگان بزرگ آلمانی نام برد و از آنها تقدیر کرد. او گفت کشور آلمان به نویسندگانی همچون گوئتگر، گراس، بودیت هرمان و حتی هرتا مولر افتخار می‌کند.

■ **همه غول‌های ادبی در فرانکفورت**

کورنلیا فونکه، جاناتان فرانزن، برت ایستون الیس، فردریک پایکبدر، کاترینا هگر، گوئتر گراس، توماس هچه، اینگرید نول، توماس لِر، فرانک شترینگ، آنتونیو اسکامتا، ریچارد دیوید پرشت و نویسندگان نامدار بسیار دیگری که در نمایشگاه امسال حضور خواهند داشت، تخیل، سحر و جادو و هنر داستان‌سازی را به شکل ناب و خالص در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهند. جاناتان فرانزن قرار است در این نمایشگاه بخش‌هایی از تازه‌ترین رمان خود آزادی را برای حاضران در این نمایشگاه بخواند. به احتمال زیاد همزمان با حضور فرانزن در فرانکفورت ترجمه آلمانی این رمان هم رونمایی خواهد شد. تا امروز رمان آزادی به عنوان مهم‌ترین اتفاق ادبی سال ۲۰۱۰ مطرح شده است. این تنها بخشی از برنامه‌های امسال نمایشگاه فرانکفورت است. آرژانتین به عنوان کشوری با رتبه بالای ادبی، میهمان امسال نمایشگاه فرانکفورت است. حدود ۲۰۰ برنامه مرتبط با فرهنگ و ادبیات آرژانتین در نمایشگاه امسال برگزار می‌شود و حدود ۷۰ نویسنده آرژانتینی به منظور شرکت در این نمایشگاه به کشور آلمان سفر کرده‌اند.



برنامه سینماهای :

آفریقا، آزادی، پردیس ملت، اریکه ایرانیان، پردیس زندگی، ایران، صحرا، فلسطین، پردیس تماشا، پایتخت، موزه سینما،

جوان، مرکزی، کارون، گلریز، جی، حافظ، پیوند، ناهید، ماندانا، ققنوس و فرهنگسراهای نیواوران و ایرانیان